

ادامه از صفحه اول

سیاست صنعتی «دیجیتال» اقتصاد «پلتفرمی»

سیاست صنعتی دیجیتال عبارت است از توسعه تکنولوژی‌ها، مهارت‌ها، خدمات و محصولات دیجیتال و نحوه انطباق با گونه‌ها و منابع جدید اقتصاد و مداخله دولتی در امر داده‌ها (به‌ویژه انبوه‌داده)، هوش مصنوعی و... . توسعه و حمایت از «پلتفرم‌ها، به‌ویژه پلتفرم‌های ملی و سرمایه‌گذاری بر آنها از ارکان اساسی این سیاست است. برخی از کشورها هنوز در مراحل نخستین آشنایی با حوزه دیجیتال هستند و صرفا بر تهدیدات فرهنگی، امنیتی و سیاسی «دیجیتالیزیشن» تمرکز دارند. البته از روی اجبار، توجهی هم به فضای کسب‌وکار شده است؛ آن‌هم به‌پس از آنکه شمار گسترده‌ای از مردم به کسب‌وکارهای اینترنتی روی آوردند. در کشورهایی همچون ایران، دولت به دنبال‌لروی از کسب‌وکارها به اهمیتش واقف شده؛ بدون آنکه واقعا این کسب‌وکارها را در مقیاسی جهانی تقویت کند. سیاست صنعتی دیجیتال حوزه فراخی را تشکیل می‌دهد. این حوزه با تمرکز ی‌بنیانی بر مفهوم «پلتفرم» آغاز می‌شود. پلتفرم در واقع به معنای هرگونه بستر فنی، مدیریتی و قانونی است که زمینه شمار گسترده‌ای از ناووری‌ها، کسب‌وکارها و فعالیت‌ها را فراهم می‌کند. گوگل، اپل، اندروید، علی‌بابا، دیجی‌کالا و... نمونه‌های متنوعی از پلتفرم‌ها هستند. سیاست صنعتی بر حمایت از پلتفرم‌ها شکل می‌گیرد. برای مثال، چین بر حمایت از انحصار شرکت‌های سه‌گانه Alibaba، Ali، JD.com و B.A.T (baba, Tencent) متمرکز شده است و حتی در هند و دیگر کشورها نیز سراغ خریداری سهام پلتفرم‌های بزرگ رفته است. مدل درآمدی این پلتفرم‌ها بر توسعه تکنولوژی، بازاریابی، تسلط بر داده، هوش مصنوعی و انحصار استوار است. پلتفرم‌ها ابزاری مهم برای بازاریابی بین‌المللی، صادرات، توسعه تکنولوژیک و سلطه اطلاعاتی بر بازار هستند. از همین رو است که توجهی جهانی به سیاست صنعتی دیجیتال مبتنی بر پلتفرم‌ها به وجود آمده است. تحولی اساسی در کسب‌وکارهای جهانی از طریق کاربرد تکنولوژی دیجیتال، محصولات و خدمات فراهم آمده است. پلتفرم‌ها می‌توانند محصولی را از یک روستای دورافتاده در چین، هند یا ایران به دست سرمایه‌گذار یا خریداری در پاریس، لندن یا لس آنجلس برسانند. پلتفرم‌های دیجیتال ابزارهای جدید قدرت و قیمت هستند. «همه چیز» قابلیت پردازش دیجیتالی می‌یابد. داده دیجیتال، قدرت نرم اقتصادی است. پلتفرم‌ها اثرات شبکه‌ای دارند و انحصارهایی را به سبک «پیروز همه چیز را می‌برد»، بدید می‌آورند؛ اما بازارهای محلی فرصت‌هایی برای رشد و نمو دنباله‌های پلتفرم‌های شبکه‌ای هستند. این بازارها درصورتی‌که محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشند (همچون ایران)، امکان توسعه بیشتری دارند؛ مشروط بر آنکه درک روشنی از فرصت پلتفرمی وجود داشته باشد و دولت سرمایه‌گذاری خود را بر تقویت و پایداری آنها متمرکز کند. در عصر دیجیتال، سِروورها، پلتفرم‌ها، مراکز داده و خدمات در اقصی نقاط جهان پراکنده‌اند و «سایبرفیزیکال سیستم‌ها» امکان تبدیل شبکه‌های واقعی را به شبکه‌های مجازی فراهم کرده‌اند تا هرگونه فعالیتی رصدپذیر شود و معاملات و تبادلات جهانی گسترش یابند. در ایران، اما هنوز توجه ویژه‌ای به این حوزه در حال ظهور نشده است و دستگاه‌های دولتی در پیچ‌وخم درکی اولیه از توسعه و کاربرد فناوری اطلاعات هستند. در اسناد سیاستی مربوطه، هیچ شاهدی مبنی بر وقوف سیاست‌گذاران بر اهمیت پلتفرم‌ها یا توجه ویژه به آنها وجود ندارد. وزارت صمت، به‌عنوان متولی اصلی این حوزه، تقریبا هیچ سیاستی که بتوان آن را «سیاست پلتفرمی» قلمداد کرد، ندارد. در صفحه مربوط به دفتر توسعه و کاربرد فناوری اطلاعات، هیچ نام و نشانی از چنین سیاست‌هایی نیست. سخنرانی‌های چند سال گذشته مدیران ارشد کشور را که بنگرید، می‌بینید عبارت‌هایی مانند «اهمیت فناوری اطلاعات» یا «تاکید بر نقش دولت الکترونیک در شفافیت» یا «اهمیت اقدامات امنیتی» و اموری از این دست، به فراوانی تکرار شده و از این عبارات‌ها فراتر رفته است. این عبارات‌ها در حد و سطح اثناثوینسی است و نشان می‌دهد که مدیران درک روشنی از عمق و لایه‌های پیچیده «دیجیتالیزیشن» ندارند. در چنین صورتی است که این سخنرانی‌ها صرفا به درد پرکردن صفحات روابط‌عمومی‌های دولتی می‌خورد ولاغیر. درک عمیق از یک پدیده، امکان برنامه‌ریزی‌های وسیع‌تر و پیگیری‌های مجدانه را فراهم می‌کند. گفتارها، مقررات، قوانین، اقدامات و سیاست‌های مکتوب در جمهوری اسلامی نشان نمی‌دهد که سیاست صنعتی دیجیتال را در پیش گرفته باشیم یا حتی به لحاظ ذهنی برای آن آمادگی داشته باشیم. توصیه اکید این است که وزارت صمت سهم بیش‌تاری خود را در ساخت گفتمان مدیران ارشد کشور و تمهید سیاست‌های پلتفرمی ایفا کند. مقاله‌های زیر اطلاعات مفیدی درباره پلتفرم‌ها دارند؛ علاقه‌مندان می‌توانند با جست‌وجو در اینترنت به آنها مراجعه‌کنند.

Appraising the impact and role of platform models and Government as a Platform (GaaP) in UK Government public service reform: towards a Platform Assessment Framework.
Latecomer Economics and National Digital Policy: An Industrial Policy Perspective.

به‌عنوان یک علاقه‌مند به رشته جامعه‌شناسی توفیق داشته‌ام که به مدت ششش سال در مقطع لیسانس و فوق لیسانس در بیش از شش درس دانشجوی مرحوم دکتر غلامعباس توسلی باشم و بیش از دو دهه در گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران افتخار همکاری با او را داشته باشم. او انسان و استاد کاملی نبود، بلکه اتفاقا کاملا انسان بود، ولی شخصیتی نیک‌اثر در دانشگاه، عرصه عمومی و جامعه مدنی ایران بود. او پس از اخذ دکترا از دانشگاه سوربن فرانسه، ۵۰ سال از طرق زیر به رشد و گسترش علوم اجتماعی کمک کرد: تدریس نظریه‌ها و سایر حوزه‌های جامعه‌شناسی، تالیف ده‌ها کتاب، ترجمه و مقاله، تأسیس مقطع دکتری جامعه‌شناسی در دانشگاه، تأسیس گروه جامعه‌شناسی در دانشگاه تربیت‌مدرس، عضویت در شورای انقلاب فرهنگی برای بازگشایی دانشگاه‌ها و ریاست دانشکده علوم اجتماعی. او در این مدت به آموزش صدها دانشجوی فوق‌لیسانس و ده‌ها دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی کمک کرد. از این نظر او یک شجره طیبه و پرثمر در جامعه‌شناسی بود.

حضور مؤثر در ۳ بزنگاه

او در سه بزنگاه تاریخی در ایران از نهاد علوم اجتماعی (و جامعه‌شناسی) دفاع تعیین‌کننده کرد. بزنگاه اول در دهه ۵۰ بود که توسلی در مقام یک استاد مسلمان از رشته جامعه‌شناسی به‌عنوان یک رشته علمی و نه یک گفتمان ایدئولوژیک دفاع کرد و به وادی تفسیر ایدئولوژیک از علم جامعه‌شناسی نینفتاد. این دفاع او از جامعه‌شناسی در برابر دو گفتمان دارای هوادار پرشمار (گفتمان مارکسیستی و گفتمان نوسازی در علوم اجتماعی در دهه ۴۰ و ۵۰) قرار داشت. حتی با اینکه او دوست، یار صدیق و همشهری دکتر علی شریعتی بود ولی مدافع «رویکرد انقلابی» نبود و از حیث تاریخی و جامعه‌شناسی دین به آثار شریعتی توجه داشت. در بزنگاه دوم توسلی پس از انقلاب و در فرایند انقلاب فرهنگی تلاش چشمگیری برای بازگشایی دانشگاه و دفاع از جامعه‌شناسی داشت. در آن زمان علوم اجتماعی و خصوصا جامعه‌شناسی، به‌عنوان رشته‌های سکولار، غربی و مادی زیر ضرب قرار داشت. در این بزنگاه دکتر سروش به‌عنوان یک متفکر مسلمان و از منظر معرفت‌شناسی از «علمی‌بودن جامعه‌شناسی» دفاع کرد و دکتر توسلی با زحمات بسیار در برابر اینکه امواج، نهاد علوم اجتماعی دانشگاهی در ایران را از ریشه بکند، مقاومت نم‌ربخش کرد و در اسرع وقت دروس جامعه‌شناسی را در دانشگاه‌ها با کمیت بیشتر به راه

شرق:دومین دادگاه جرم سیاسی در حالی برگزار شد که هیئت‌منصفه، اولین متهم سیاسی را که یک اصولگرا بود تبرئه کرد و در دادگاه دوم نعمت احمدی را که منتقد وجود فساد در سیستم‌های نظارتی بود، مجرم شناخت. دکتر نعمت احمدی، حقوق‌دان، در گفت‌وگو با «شرق» در توضیح روند دومین دادگاه جرم سیاسی و آنچه در این محکمه گذشت، گفت: همین که این دادگاه اطلاع‌رسانی نشد و افکار عمومی در جریان دادگاه قرار نگرفتند و خبرنگاران رسانه‌های مستقل اجازه حضور در دادگاه را نیافتند، در حقیقت مهم‌ترین نقد به این دادگاه است و معتقدم چنین دادگاهی علنی نبوده است. وی ادامه داد: دقیقا در اولین روزی که سند امنیت قضائی ابلاغی توسل رئیس محترم قوه قضائیه جنبه اجرایی به خود گرفت، همه اهداف و مفاد این سند نادیده انگاشته شد. این چگونه دادگاه علنی‌ای بود که پشت درهای بسته دادگاه بدون حضور رسانه‌ها و خبرنگاران برگزار شد؟! احمدی خاطر‌نشان کرد: دو ایراد مهم بر این دادگاه وارد است؛ اول اینکه مطابق اصل ۱۶۸ قانون اساسی و آنچه در سند امنیت قضائی آمده، عمل نشد و دوم اینکه هیئت‌منصفه‌ای که باید نماینده افکار عمومی باشد، در حقیقت نماینده حاکمیت است و انتصاب و انتخابش از طریق نهاد قدرت است. درحالی‌که باید ترتیبی اتخاذ شود که هیئت‌منصفه

درحالی‌که طرح استیضاح روحانی از سوی برخی نمایندگان مجلس و هم‌زمان تندشن ادبیات اصولگرایان علیه روحانی بخشی دیگر از طایفه اصولگرایی را به واکنش وادار کرده است، همان جماعت و حامیان‌شان در قم همایش مطالبه استیضاح روحانی را دنبال می‌کنند. پوستری از یک نشست مجازی منتشر شد که نشان می‌داد جمعی از اصولگرایان بنا داشتند دوشنبه در قم دور هم جمع شده و با محوریت استیضاح حسن روحانی سخنرانی کنند. رسایی، حاجی‌دلگانی، کوشکی، غضنفری، مؤمن‌نسب، جاویدنیا، کیارش، علوی، جلال‌زاده، آصفری و... در این همایش حضور داشتند. نکته قابل تامل اینکه اعلام شده بود این همایش هم فقط در اپلیکشن‌های ایرانی بازنشر شود؛ یعنی رویبکا، تدی و سروس. نکته جالب این است که برخی این تندروی اصولگرایان علیه روحانی را تله اصلاح‌طلبان دانسته‌اند. عباس سلیمی‌نمین به قدس گفته که برخی افراد در حال تحریک نیروهای اصولگرا هستند تا آنان میزان تندی و حملات خودشان به آقای روحانی را در

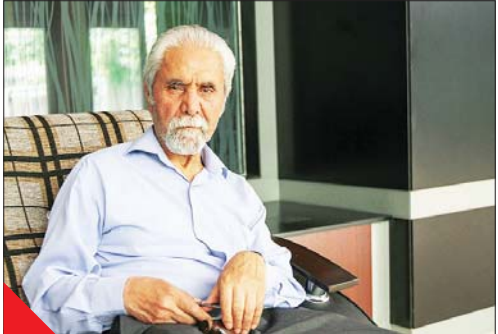
شرق: طرح شفافیت آرای نمایندگان که جزء اولویات‌های مجلس یازدهمی‌ها قرار داشت، هنوز به صحن نیامده و خبری هم از تغییرات جدید در این طرح منتشر نشده است؛ طرحی که در مجلس قبیل موافقان و مخالفان سرسختی داشت و در نهایت کارش به مجلس جدید کشید. «شفافیت آرای نمایندگان» هنوز وجود ندارد. نمایندگان پارلمان در ایران در قبال رایی که در مجلس می‌دهند، هیچ مسئولیتی ندارند. آنان هیچ مسئولیتی مدنی‌ای هم در قبال آن ندارند و اگر آرای آنها باعث خسارت به جامعه شود، نه‌تنها توسط هیچ نهادی مؤاخذه نمی‌شوند، بلکه مردم و موکلان آنها نیز از آرای نمایندگان خود باخبر نمی‌شوند. هرچند مخالفان این طرح معتقدند در نهایت این طرح دستاویزی برای تسویه‌حساب سیاسی خواهد شد و مثلا در موضوعی مانند برجام با مسائلی از این دست مخالفان تندرو نمایندگانی را که رأی مثبت داده‌اند مورد حمله و قرار خواهند داد.

در برخی از دوره‌های مجلس موضوع شفافیت آرای

سیاست

یادداشتی از حمیدرضا جلائی پور

توسلی در سه بزنگاه تاریخی



عکس: مصدود عارفی، چارن چارن

انداخت. بزنگاه سوم در زمان حمله همه‌جانبه دولت مواری و وزارت علوم دولت احمدی‌نژاد بود که نه فقط علوم اجتماعی بلکه علوم انسانی را از طریق ابزار بوروکراسی دولتی (موج بازنشستگی از بالا) مورد حمله قرار می‌داد. او با اینکه در این دوره کمی بیمار شده بود، در دفاع از علوم انسانی در حوزه عمومی دست از تلاش برنداشت. این در حالی بود که بعضی از دانشجویان تازه به دوران رسیده او در دوره احمدی‌نژاد او را با اینکه استاد مسلم جامعه‌شناسی بود، به سوی بازنشستگی هل دادند و حتی مترصد بودند که اتاقش در دانشکده را از او بگیرند و متأسفانه ادای احترام نکردند. از خصایص خوب اخلاقی‌اش این بود که نامردی‌های این تازه به دوران رسیده‌ها را می‌دید و عزتمندانه از کنار آن می‌گذشت.

تواضع معرفتی

توسلی ویژگی‌های علمی درخور توجهی داشت. کارنامه جامعه‌شناختی او را قیلا در دو نشست علمی انجمن جامعه‌شناسی در زمستان ۹۴ تحت عنوان «توسلی و نظریه‌های جامعه‌شناسی» و زمستان ۹۵ تحت عنوان «جامعه‌شناسی توسلی و سیاست اصلاحی» (قابل دسترسی در کانال تلگرامی hamidrezajaleipour) مورد بررسی قرار داده‌ام و اینجا تکرار نمی‌کنم. در اینجا مختصر بگویم که او تواضع معرفتی داشت. با اینکه نزد استادان بزرگ جامعه‌شناسی فرانسه ژرژ گوروچ، آلن تورن و ریمون آرون درس خوانده بود، در ساحت بحث علمی دعاوی بزرگ نداشت و قبل از باران سیل جاری نمی‌کرد و جوگیر مدعیات بزرگ دیگران هم نمی‌شد. به نام افراد بزرگ حرف‌های خود را به مخاطب القا نمی‌کرد؛ به سوالات و

نعمت احمدی در توضیح روند دومین دادگاه جرم سیاسی:

دادگاه پشت درهای بسته علنی نیست

محاکم سیاسی نماینده‌ای از افکار عمومی باشد و در یک روند انتخابی نه انتصابی اعضای هیئت‌منصفه انتخاب شوند. این حقوق‌دان خود به خود متهم سیاسی که توسط قوه قضائیه اعمال و رفتارش اصلاح‌رانیانه و بدون سوه‌نیت خاص ارزیابی شده است، باید در مقابل افکار عمومی محاکمه شود نه اینکه پشت درهای بسته محاکمه شود. کل مطلبی که از دادگاه پنده منتشر شد، سخنان سخنگوی هیئت‌منصفه بود مبنی بر برگزاری دادگاه و نظر هیئت‌منصفه بر محکومیت پنده و مشمول تخفیف مجازات شناخته‌شدن‌کم این موضوع خبری از آنچه در دادگاه رخ داد، در خود نداشت و نشان‌دهنده علنی‌بودن دادگاه نیست. وی با بیان این جمله که «اگر دستگاه قضا به دنبال اجرای قانون جرم سیاسی بعد از ۴۱ سال است، این روش درست ان نیست»، افزود: در مهرماه ۹۸ زمانی که دادگاه مفاسد اقتصادی یا همان

مبارزه با مفاسد اقتصادی یعنی مبارزه با بسترهای وقوع جرم و حذف راه‌ها و روش‌هایی که چنین مفاسدی رخ می‌دهد. در آن مصاحبه به اشتباه گفتم معاونان سازمان بازرسی بازداشت شده‌اند که روز بعد روزنامه تذکیریه این اشتباه را در صفحه اول خود منتشر کرد. پنده نیز بابت اشتباه سهوی و لغتی رخ‌داده عذرخواهی کردم، زیرا همان زمان خبرهایی مبنی بر بازداشت رئیس سازمان بازرسی هم منتشر و بعد تذکیریه شده بود که سبب شد در زمان مصاحبه واژه معاونان را به

نظرات دانشجو احترام می‌گذاشت و خوب گوش می‌داد و مختصر و مربوط پاسخ می‌داد. من یک بار ندیدم که او بخواهد حال دانشجویی را که اظهار فضل می‌کند، بگیرد. در کار آموزش دروس خسته نمی‌شد و برای تدریس به شهرستان‌ها سفر می‌کرد. حتی آخرین بار در ۱۳۹۷ در اوج بیماری با ویلچر خود را به سومین نشست آسیب‌شناسی انجمن‌های جامعه‌شناسی رساند.

حضور هم‌زمان و مستمر در ۳ حوزه

او در ۵۰ سال گذشته در سه حوزه «دانشگاه»، «عرصه عمومی» و «عرصه سیاسی» حضور فعال داشت و مدام تلاش می‌کرد. در دانشگاه ۵۰ سال «کنار» دانشجو بود و برای پاسخ به سوالات‌شان در دسترس بود و مطلقا قابل فیس و افاده نبود. در «حوزه عمومی» صدها بار حضور رسانه‌ای داشت. او مؤسس انجمن جامعه‌شناسی بود و شاگردان او، از جمله مرحوم قانع‌راد، این انجمن را به اولین انجمن علمی ایران، از حیث فعالیت‌های جامعه‌شناسانه، ارتقا دادند. او در حوزه سیاسی مخالف رژیم موروثی و همراه انقلاب مردم در سال ۵۷ بود و از یاران بارزگان و نهضت آزادی ایران بود و در این راه ۵۰ سال در مواضعش استوار بود و به نرخ روز موضع عوض نمی‌کرد.

به هر قیمت دنبال صعود نبود

هم‌نسلی‌های من در دوران انقلاب همه به یاد دارند که پس از پیروزی انقلاب تعداد انقلابی‌های تحصیل‌کرده و زبان‌دان زیاد نبودند. به همین دلیل یک پزشک مثل دکتر ولایتی به‌خاطر آشنایی با حجت‌الاسلام ملکی، پیش‌نماز طرفدار انقلاب مسجد تجریش، به سرعت می‌توانست به مقام وزارت خارجه برسد. اما دکتر توسلی با اینکه در آن زمان از معتبرترین دانشگاه فرانسه (و با تسلط به دو زبان) فارغ‌التحصیل شده بود و هم‌زمان استاد دانشگاه تهران و از یاران نزدیک شریعتی و بارزگان بود، در فعالیت سیاسی معیار داشت و به هر دری نمی‌زد. او کافی بود در حوزه عمومی رسما از نهضت آزادی فاصله بگیرد و درهای پست‌های بالا در حاکمیت بر رویش باز شود ولی چنین نکرد. و در مقابل، تمام اعتبار خود را صرف دفاع از نهاد علوم اجتماعی و حضور انقلابی‌ها در حوزه عمومی کرد. من همیشه گفتم‌ه در تاریخ معاصر ایران معمولا دولت‌ها دنبال کنترل جامعه مدنی ایران بودند و حتی آن را مرعوب کرده‌اند، ولی یکی از دلایلی که در این‌ راه کاملا موفق نشده‌اند حضور ایرانیانی همچون غلامعباس توسلی است.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

جای مدیران و کارکنان به کار برم که البته از شخص خاصی اسم نبرده بودم. به‌هرحال اصل حرف من این بود و هست که چگونه فردی مانند طبری می‌تواند ۲۰ سال کنار دو رئیس قوه قضائیه فعالیت کند و مرتکب تخلفات گسترده شود، اما سازمان‌های نظارتی متوجه تخلفات او نشوند.

وی ادامه داد: درست است طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی رئیس قوه قضائیه مسئول نظارت بر حسن اجرای قوانین است، اما آیا می‌تواند خود به همه سازمان‌ها و ارگان‌ها سر بزند و به روند کارها شخصا نظارت کند؟ برای این کار ابزارهایی در نظر گرفته شده که سازمان بازرسی یکی از آنهاست. وقتی فساد در یک نهاد نظارتی لانه کند، چگونه قرار است با مفسدان و فساد مبارزه شود؟ احمدی در پایان گفت: به‌هرحال بنده به‌عنوان اولین مجرم سیاسی و دومین متهم سیاسی در انتظار حکم دادگاه هستم. هرچند حتی یک درصد هم انتظار نداشتم مجرم شناخته شوم اما اگر به‌عنوان اولین مجرم سیاسی راهی زندان هم شوم، ناراحتی نخواهم داشت، در زندان کتابم را می‌نوسم. حتی اگر محکوم به اعدام هم شوم ناراحت نیستم، زیرا حرفم این است که سازمان‌های نظارتی باید عاری از تخلف و جرم شوند و باید این مهم مورد توجه قرار گیرد حتی به قیمت مجازات من.

داد تریبون مجلس، تریبون عقده‌گشایی عده‌ای شود؛ در واقع تریبونی برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ نشود. برخی از نمایندگان در تلاش‌اند نشان دهند همه مسائل و مشکلات از طرف دولت است درحالی‌که یک نماینده مجلس آشکارا از مشکلات کشور خبر دارد و می‌اند کشور با انواع مسائل و مشکلات خارجی درگیر است. ناصر ایمانی هم گفته بود که برخی از نمایندگان مجلس یازدهم گمان می‌کنند که به‌کاربردن ادبیات تند و الفاظ رادیکال باعث مطرح‌شدن آنها در افکار عمومی، رسانه‌ها و حوزه انتخابیه خود می‌شود. نکته مهم‌تر اینکه اصولگرایان گویا متوجه نیستند اما توبیتی بود که مشاور قالیباف دو روز پیش منتشر کرد: «حضرت آقا فرمودند: اعتقاد راسخ دارم که دولت‌ها باید تا روز آخر وظایف خود را انجام دهند، امروز که تدریج‌روهای اصلاحات برای فرار از پاسخ‌گویی به مردم استعفا می‌دهند و در مجلس این است که مردم بداندند اذهان عمومی را از اصل ماجرا منحرف کرده و اذهان را اسیر مسائل فرعی و حاشیهای کنند. اما برخی دیگر از اصولگرایان سعی کرده‌اند ماجرا را واقعیت‌بیان‌تر تحلیل کنند؛ مثلا حسین کنعانی‌مقدم هم گفته بود نباید اجازه

شد و در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۹۷ اعلام وصول شد. طرح شفافیت آرای نمایندگان سرانجام در هفتم آذر ۱۳۹۷ در کمیسیون آیین‌نامه داخلی تصویب شد؛ اما مصوبه مذکور با طرح اصلی تفاوت بسیاری دارد، به‌گونه‌ای که فساد علنی آرای نمایندگان را محقق نکرده بود. غلامرضا کاتب، رئیس کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، درباره این اظهار کرد: «کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس طرحی را که نمایندگان ارائه کرده بودند، تصویب کرد، ولی طرح جایگزینی تصویب شد و اولین طرحی که در زمینه شفاف‌سازی آرای نمایندگان تصویب شد، درباره مشخص‌شدن نمایندگان فعال در رأی‌گیری‌های صحن مجلس است». دومین طرح مربوط به شفافیت آرای نمایندگان در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۹۷ توسط هیئت‌رئیس اعلام وصول شد. این طرح به ابتکار سیدعلی ادیبانی‌راد، نماینده قلمشهر، سوادکوه و جویبار، ایجاد شده و به امضای ۲۸ نفر از نمایندگان رسیده است.

احمدی در **صفحه ۳**

خبر

روحانی در دیدار عبدالله عبدالله

راه رسیدن به صلح

مذاکرات بین‌الافغانی است

● **شرق:** رئیس شورای عالی مصالحه ملی افغانستان که از یکشنبه در تهران است روز گذشته با رئیس‌جمهور و همچنین علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار و گفت‌وگو کرد. عبدالله عبدالله، روز یکشنبه با رئیس مجلس و وزیر خارجه نیز دیدار کرده بود. رئیس‌جمهوری در دیدار رئیس شورای عالی مصالحه ملی افغانستان ابراز امیدواری کرد صلح و امنیت پایدار در این کشور برقرار باشد و مردم افغانستان در آرامش زندگی کنند. به گزارش ایسا، حسن روحانی همچنین با ابراز امیدواری به موفقیت تلاش‌های شورای عالی مصالحه برای برقراری صلح و ثبات در افغانستان، عنوان کرد: «مهم این است که مردم این کشور بعد از سال‌ها جنگ و درگیری به یک صلح واقعی برای حفظ دستاوردهای خود دست یابند و راه‌حل این مشکل نیز گفت‌وگوهای سیاسی و مذاکره بین‌الافغان «است».

او با بیان اینکه دخالت و حضور آمریکا به عنوان یک کشور متجاوز در افغانستان با خواست و نظر مردم این کشور همسو نبوده است، افزود: «دولت آمریکا که در سیاست‌های خود در منطقه و جهان شکست خورده و موفقیتی نداشته است، به دنبال بهره‌برداری انتخاباتی از مذاکرات صلح در افغانستان است».

روحانی با اشاره به روابط خوب ایران و افغانستان به عنوان دو کشور دوست و همسایه، به توسعه و تعمیق روابط تهران – کابل تاکید کرد و گفت توافق بلندمدت بین دو کشور می‌تواند به توسعه و تعمیق روابط در همه زمینه‌ها بینجامد.

رئیس‌جمهور با اشاره به افتتاح راه‌آهن خواف – هرات در روزهای آینده، اتصال راه‌آهن‌های ایران و افغانستان را موجب تقویت همکاری‌های اقتصادی و تجاری دو کشور دانست و گفت: «ایران آمادگی دارد که با اتصال خط لوله گاز و فرآورده‌های نفتی به افغانستان امکان استفاده مردم این کشور از این انرژی‌ها را فراهم کند».

او همچنین عنوان کرد: «همان‌طور که همیشه در کنار مردم افغانستان بوده‌ایم، در آینده هم حمایت خود را از این کشور و همه جهات و اقوام و گروه‌های صلح‌طلب ادامه خواهیم داد و امیدواریم شاهد برقراری امنیت پایدار در این کشور باشیم».

عبدالله عبدالله نیز از حمایت‌ها و مواضع جمهوری اسلامی ایران درخصوص تحولات و تلاش‌ها برای برقراری صلح و امنیت پایدار در این کشور قدردانی کرد و گفت: «جمهوری اسلامی ایران دوست و همسایه خوب افغانستان است. در سفرم به تهران با مقامات جمهوری اسلامی دیدارهای خوبی داشتم و پیام حمایت ایران را به کابل خواهم برد و توافقات دو کشور را پیگیری خواهم کرد». او ابراز امیدواری کرد با حمایت و مواضع ایران شاهد به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات صلح افغانستان و برقراری امنیت و آرامش پایدار در کشورش باشد. رئیس شورای مصالحه ملی افغانستان همچنین روز گذشته با دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار کرد و درباره مسائل دوجانبه و منطقه‌ای با هم گفت‌وگو کردند.

فوتی‌های کرونا به ۳۰۰ نفر برسد یعنی آژیر خطر

همچنین رئیس‌جمهور در جلسه با وزیر و مسئولان بهداشت و درمان کشور درخصوص بیماری کرونا با بیان اینکه با ادبیات واحد با مردم سخن بگویم، گفت: «هم باید مردم را آگاه کنیم و هم در عین حال آنان را ترسانیم. ترساندن از سوبی منجر به عدم همراهی می‌شود، چراکه با گذشتن زمان عادی تلقی می‌شود. مردم اگر با ما همراه نشوند ما موفق نمی‌شویم. اگر ما برای ماسک جریمه می‌گذاریم مردم باید بدانند که این کار برای کمک به آنان است، نه اینکه ما برای پول مردم کیسه دوخته باشیم. اصلا چنین چیزی نیست».

حسن روحانی با بیان اینکه قرارگرفتن دین و علم در کنار هم از نقاط قوت کشور در مبارزه با شیوع کرونا است، افزود: «دین و علم در موضوع مبارزه با کرونا کنار هم قرار گرفتند و از هم فاصله نگرفتند. مراجع تقلید و رهبری به ستاد ملی کرونا کمک کردند که اگر چنین نبود مشکلات بیشتری می‌شد و همین یک‌صدابودن در این کشور مسئله مهمی است».

او با تاکید بر اینکه باید زنجیره انتقال شکسته شود، گفت: «در این مرحله لازم است که تست‌ها را گسترش دهیم و برای گسترش‌دادن تست، باید هم کیت‌های ما آماده باشد و هم اینکه کیت به تشخیص برسد و این پرسوسه‌ها باید صنعتی باشند، نه دستی. اکنون به‌گونه‌ای است که فرد باید مورد به مورد، تست انجام دهد و ممکن است امکاناتی در اختیار باشد که صد یا ۲۰۰ نفر با هم این تست را انجام دهند. اما هر امکاناتی که در بخش تست و در آزمایشگاه، نیاز داریم باید تکمیل شود. حتی تست‌های جدیدی که وزیر بهداشت مطرح کردند و ما هم موافقت کردیم تا ۲۰-۳۰ میلیون با هر مقداری که کیت نیاز است، خریداری کنیم و بیاوریم.» به همچنین گفت: «مردم نباید بترسند از اینکه بیاییم اعلام کنیم تعداد مبتلایان از چهار هزار نفر به هشت هزار نفر رسیده است. این مهم نیست ولی از آن طرف مهم است که اگر فوتی جدید که ۲۰ نفر بود، به ۲۵۰ نفر برسد یا ۳۰۰ نفر شود؛ این معنایش آژیر خطری برای ماست».